

جنسیت و مهارت‌های چهارگانه هوش هیجانی

شهرام مامی^۱، زینب محمدبیگی^۲

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: هوش هیجانی به عنوان توانایی درک احساسات خود و دیگران، ارتباط با مردم، انطباق و کنار آمدن با فشارها و خواسته‌های محیطی تعریف می‌شود. مهارت‌هایی چون خودآگاهی هیجانی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی، مدیریت روابط به عنوان چهار مهارت متشکل هوش هیجانی شناخته شده‌اند.

روش‌ها: این مطالعه توصیفی همبستگی به صورت مقطعی در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ روی ۲۴۸ نفر (۱۳۷ پسر و ۱۱۱ دختر) از مجموع ۷۴۰ نفر از دانشجویان دختر و پسر موسسه آموزش عالی باختر مرکز ایلام که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند اجرا گردید. جهت بررسی نقش جنسیت در مهارت‌های چهارگانه هوشی هیجانی از پرسش‌نامه هوش هیجانی (Bradbury Travis - Graves) ۲۸ سؤالی استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار spss نسخه ۲۰ و آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل multivariate صورت گرفت.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که بین میزان هوش هیجانی و مهارت‌های چهارگانه آن (خودآگاهی هیجانی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی، مدیریت روابط) دختران و پسران تفاوت معنی‌داری وجود دارد و میانگین نمرات هوش هیجانی و مهارت‌های چهارگانه آن در دختران بیشتر از پسران است.

نتیجه‌گیری: جنسیت با هوش هیجانی در ارتباط بوده و از سویی میزان مهارت‌های هوش هیجانی در دختران و پسران می‌تواند با هم تفاوت داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: هوش هیجانی، جنسیت، خودآگاهی هیجانی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی، مدیریت روابط

ارجاع: مامی شهرام، محمدبیگی زینب. جنسیت و مهارت‌های چهارگانه هوش هیجانی. مجله تحقیقات نظام سلامت ۱۳۹۳؛ ۱۰(۴): ۶۸۴-۶۷۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۶/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۱/۲۵

۱. استادیار، گروه روان‌شناسی، پردیس تحصیلات تکمیلی علوم و تحقیقات، ایلام، ایران (نویسنده مسؤول)

Email: Shmami.psycho@ilam.iau.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد، دانشجو، روان‌شناسی بالینی، پردیس تحصیلات تکمیلی علوم و تحقیقات، ایلام، ایران

مقدمه

هوش هیجانی را مجموعه‌ای از توانایی‌هایی که در برگیرنده ادراک، بیان فهم، تسهیل و تنظیم هیجانات است تعریف کرده‌اند (۱). هوش هیجانی یک استعداد برتر است، ظرفیتی را شامل می‌شود که عمیقاً بر تمام توانایی‌های دیگر مؤثر است (۲). بعد هیجانی مفهوم هوش چند وجهی، شامل دو جزء کل می‌باشد که تحت عنوان: قابلیت‌های درون‌روانی و بین‌روانی

مطرح شده‌اند. هوش هیجانی به صورت ۴ مهارت از جمله: خودآگاهی هیجانی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی، مدیریت روابط تعریف شده است (۳). برای بسیاری از ما هوش، توانایی فرد از نوع شناختی برای حل مشکلات، مانند واژگان و حساب است. اما همه ما می‌دانیم که هوش به طور کلی و یا آنچه که روان‌شناسان درک هوش می‌دانند، تنها بخش کوچکی از ظرفیت یک فرد است. ابعاد عاطفی،

شخصی، اجتماعی نیز وجود دارند، که اغلب برای عملکرد روزانه مهم‌تر از جنبه‌های شناختی یا ذهنی است. ازسویی، هیجانات به عنوان تغییردهنده ارزیابی‌ها از موقعیت‌ها، آمادگی برای حالت‌های مختلف از افکار، احساسات، اعمال و اظهارات و رفتارهایی هستند که مؤثر بر رفتارهای دیگران هستند (۲). فشار روانی حاصل از هیجان، اغلب به عنوان عامل مزاحم برای سلامت انسان به حساب می‌آید (۴). هوش هیجانی برای درک خود و دیگران، ارتباط با مردم و انطباق و کنار آمدن با محیط اطراف استفاده می‌شود که می‌توان در برخورد با خود، دیگران، و خواسته‌های زیست محیطی موفق‌تر بود (۲). هوش هیجانی به عنوان راهبردی برای تحلیل چگونگی تغییر شکل هیجانی در محیط کار مطرح می‌باشد (۵). مهارت‌های هوش هیجانی ویژگی‌هایی مانند همدلی، مسئولیت اجتماعی، کنترل ضربه، توانایی ارتباط برقرار کردن به دیگران به شیوه‌ای متناسب با سن شامل می‌شود که توانایی‌هایی چون: تحمل استرس، حفظ چشم اندازخوش بینانه و حل مشکلات روز به روز انسان را فراهم می‌سازد. هوش هیجانی اندازه‌گیری مهارت برای موفقیت در مقابله با خواسته‌ها فشارهای محیطی خواهد بود (۶، ۲). نتایج برخی مطالعات، نشان می‌دهد که تجارب هیجانی به صورت صحبت کردن و نوشتن، می‌تواند به سلامت جسمی و روانی کمک کند (۷). از دیدگاه متخصصان هوش هیجانی، موفقیت فرد در زندگی بسته به این که فرد بتواند به تجارب هیجانی خود و دیگران بیاندیشد و به طور متقابل قادر باشد به استدلال‌هایی که عقل در مورد یک شخص یا موقعیت ترسیم می‌کند پاسخ‌های هیجانی سازش یافته‌ای بدهد. این جز از هوش، پیش‌بینی‌کننده مناسبی از موفقیت‌های احساسی و شخصی در آینده است (۸). با توجه به اهمیت مهارت‌های هوش هیجانی، دختران و پسران برای مقابله با آشفتگی دوران نوجوانی به این بعد از هوش نیاز دارند. هرچند، ممکن است مشکلات خانوادگی، غم و یا استرس را از بین نبرد، به عنوان ابزاری برای مقابله با فشارهای اعمال شده توسط تغییرات رشدی و فشارهای اجتماعی کاربرد دارد (۹). نگاهی

گذرا به پیشینه نشان می‌دهد که در زمینه موضوع موردنظر، پژوهش‌هایی به بررسی ارتباط هوش هیجانی با ابعاد و عوامل مختلف پرداخته‌اند. در زمینه تفاوت‌های جنسیتی و نقش آن در مهارت‌های متشکل هوش هیجانی زنان و مردان، بررسی چندانی صورت نگرفته است. مطالعه‌ای در آمریکای شمالی اشاره دارد که زنان مهارت‌های میان‌فردی قوی‌تری را نشان می‌دهند و مردان نیز دارای ظرفیت درون‌فردی بیشتر، ازسویی در مدیریت هیجانات و انطباق‌پذیری به زنان شبیه‌تر هستند (۱۲-۱۰). مطالعات دیگری نشان دادند که بین هوش هیجانی مردان و زنان تفاوت معنی‌داری وجود دارد، در این پژوهش‌ها نشان داده شد که هوش هیجانی زنان به طور معناداری بالاتر از مردان است (۱۳). نتایج موجود از پژوهش‌های دیگر این یافته‌ها را نقض می‌کنند و بر این مسأله تأکید دارند که بین هوش هیجانی زنان و مردان تفاوت معنی‌داری موجود نیست (۱۴). گروهی از مطالعات در مورد هوش چندگانه با نگاه به تفاوت‌های جنسیتی در میزان ابعاد هوش و توانایی‌های درون فردی و بین فردی متشکل هوش هیجانی در زنان و مردان اشاره دارند. هوش درون فردی به توانایی خلق خود مرتبط است، احساسات و حالات ذهنی و استفاده از این اطلاعات برای انطباق با محیط است (۱۲-۱۱، ۶). با توجه به نقش عوامل هیجانی، چگونگی کنترل آن و تأثیر هیجانات بر جنبه‌های مختلف زندگی و از سویی نقش هوش هیجانی و مهارت‌های آن در موفقیت‌های زندگی، توجه به تفاوت‌های جنسی زن و مرد در میزان مهارت‌های هوش هیجانی در موقعیت‌های گوناگون نقطه عطفی است که در این راستا می‌توان نقطه قوت پژوهش را، تمرکز بر تفاوت‌های جنسی و واکنش‌های گوناگون مربوط به مهارت‌های هوش هیجانی در ارتباط با هیجانات و شرایط استرس‌زا و موفقیت‌های زندگی اشاره کرد. هدف از تحقیق حاضر ارتباط جنسیت (زن و مرد) با میزان مهارت‌های هوش هیجانی و به عبارتی بررسی تفاوت‌های جنسیتی مؤثر بر میزان مهارت‌های چهارگانه هوش هیجانی است.

روش‌ها

این پژوهش توصیفی همبستگی به صورت مقطعی در جامعه آماری این پژوهش را ۷۴۰ نفر از دانشجویان دانشگاه غیرانتفاعی باختر مرکز ایلام در سال تحصیلی ۹۱-۹۲ تشکیل می‌دهند. نمونه مورد پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای که حجم نمونه با توجه به جدول مورگان، ۲۴۸ نفر به تفکیک تعداد دانشجویان دختر ۱۱۱ نفر و تعداد دانشجویان پسر ۱۳۷ نفر انتخاب شدند. آزمون هوش هیجانی برادبری - گریوز با کسب رضایت از افراد مورد مطالعه، به منظور دستیابی به داده‌ها اجرا گردید. آزمون شامل ۲۸ ماده که از دو بخش مهارت‌های درون فردی شامل دو مهارت خودآگاهی از سؤال (۶-۱)، خودمدیریتی (۱۵-۷) و بخش دوم مهارت‌های بین فردی شامل آگاهی اجتماعی از سؤال (۲۰-۱۶) و مدیریت روابط (۲۸-۲۱) تشکیل شده و نمره‌گذاری با استفاده از مقیاس لیکرت ۱ تا ۶ در هر بخش از سؤالات، به طور جداگانه به دست می‌آید و از مجموع نمرات چهارگانه، نمره هوش هیجانی کل محاسبه می‌گردد. میزان اعتبار آزمون ذکر شده با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۸ و میزان روایی آزمون ۰/۶۸ از هنجاریابی آزمون هوش هیجانی برادبری - گریوز توسط گنجی، میرهاشمی، ثابت (۱۳۸۴) به دست آمده است (۱۵). بنابراین اعتبار و روایی آزمون مورد تأیید می‌باشد. با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۰، داده‌های به دست آمده با روش‌های آماری میانگین، انحراف معیار، ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل multivariate مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها

جدول ۱. مشخصه‌های آماری آزمودنی‌ها را برحسب نمره‌های مهارت‌های هوش هیجانی و نمره کل هوش هیجانی به تفکیک دختر و پسر نشان می‌دهد. نتایج جدول ۱ و ۳

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار نمره‌های دانشجویان بر حسب جنسیت و مهارت‌های هوش هیجانی (n:248)

هوش هیجانی		خودآگاهی		خودمدیریتی		آگاهی اجتماعی		مدیریت روابط	
میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار

دختر	۷۰/۱۹	۱۰/۸۷	۲۰/۴۴	۴/۷۹	۳۵/۷۷	۴/۷۷	۱۸/۳۹	۴/۴۱	۳۲/۹۱	۵/۳۲
پسر	۶۶/۸۱	۱۱/۳۶	۱۹/۰۲	۴/۷۸	۳۴/۵۱	۴/۸۲	۱۶/۸۹	۴/۵۷	۳۱/۲۱	۵/۲۹

جدول ۲: ضرایب همبستگی پیرسون بین نمرات مهارت‌های هوش هیجانی دانشجویان با نمره کل هوش هیجانی

متغیر	هوش هیجانی
هوش هیجان	۱
خودآگاهی هیجانی	۰/۹۶
خودمدیریتی	۰/۹۷
آگاهی اجتماعی	۰/۹۸
مدیریت روابط	۰/۹۸

جدول ۳: تحلیل واریانس چند متغیره بین میانگین نمرات هوش هیجانی و مهارت‌های خودآگاهی هیجانی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی، مدیریت روابط در دو گروه دانشجویان دختر و پسر

منبع اثر	متغیر	مجذور مربعات	F	سطح معنی داری
پسر و دختر	هوش هیجانی	۷۰۰/۸۱	۵/۶۳	۰/۱۸
	خودآگاهی	۱۲۳/۵۶	۵/۳۹	۰/۲۱
	خودمدیریتی	۹۶/۸۱	۴/۱۹	۰/۴۲
	آگاهی اجتماعی	۱۳۷/۷۰	۴/۱۹	۰/۱۰
	مدیریت روابط	۱۷۸/۷۲	۶/۷۹	۰/۱۲

(p<0.01)

در سطح معنی داری ($p < 0.01$) در هر کدام از متغیرهای فوق نشان دهنده آن است که در دو گروه دختر و پسر هوش هیجانی با ($F = 5/63$) خودآگاهی هیجانی ($F = 5/39$) خودمدیریتی ($F = 4/19$) آگاهی اجتماعی ($F = 6/79$) مدیریت روابط ($F = 6/33$) نشان دهنده وجود تفاوت معنی دار بین دو گروه می باشد.

که می توانند هوش هیجانی را فراهم کنند با هوش هیجانی بالا، رهبری و مدیریتی مناسب می تواند اتفاق بیفتد چرا که مهارت‌های هوش هیجانی در مدیریت بی تأثیر نیستند (۱۶). همچنین نتایج تأثیرات جنسیتی بر میزان و کیفیت هوش هیجانی و مهارت‌های چهارگانه آن است از جمله میزان آگاهی از احساسات فردی، مدیریت احساسات و کنترل درست و مناسب آنان، درک و آگاهی و همدلی در برابر احساسات دیگران و سعی در مدیریت درست و مناسب که ارتباط مجموعه‌ای از مهارت‌های بین فردی و درون فردی را نشان می دهند. با توجه به مهارت‌های فردی اجتماعی، مطالعاتی اثر جنس زن بودن در درک همدلانه، و سازگار نسبت به مردان را مورد تأیید قرار می دهند (۱۷).

بحث

با توجه به یافته‌های پژوهش می توان به نقش تفاوت‌های جنسیتی در میزان مهارت‌های هوش هیجانی اشاره نمود در این پژوهش نشان داده شد که هوش هیجانی زنان به طور معنی داری بالاتر از مردان است (۱۳). مطالعه‌ای در آمریکای شمالی به این نتیجه رسید که زنان مهارت‌های میان فردی قوی تری را نشان می دهند و مردان نیز دارای ظرفیت درون فردی بیشتر، در مدیریت هیجانات و انطباق پذیری شبیه تری نسبت به زنان دارند. (۱۲-۱۰)

برخی پژوهش‌ها به این یافته دست یافته اند که بین هوش هیجانی زنان و مردان تفاوت معنی داری موجود نیست (۱۴). برخی مطالعات چنین اظهار می کنند که مهارت‌های هوش هیجانی لازمه رهبری است به این معنا که مهارت‌های چهارگانه

(۱۰-۱۲). یافته‌های به دست آمده از بررسی رابطه هوش هیجانی با پیشرفت تحصیلی، جنسیت و اضطراب آموزشگاهی سطح معنی‌داری این بعد از هوش را نشان می‌دهند (۱۹).

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که نتایج پژوهش نشان داد بین هوش هیجانی پسران و دختران تفاوت معنی‌داری وجود دارد. در زمینه محدودیت پژوهش مورد نظر می‌توان به محدودیت نمونه و جامعه آماری در تحقیق و عدم توجه به شیوه‌های تربیتی، خانوادگی، محیطی و عوامل فرهنگی مؤثر بر میزان مهارت‌ها و هوش هیجانی و در نظر گرفتن ابعاد جزئی‌تر چون سن و عوامل مرتبط دیگر که می‌تواند بر میزان مهارت‌ها و کیفیت هوش هیجانی مؤثر باشد اشاره نمود. با توجه به این موضوع که عوامل جنسیتی می‌تواند با میزان هوش هیجانی و مهارت‌های متشکل آن مرتبط باشند، اهمیت محیط خانواده و آموزش‌های کاربردی در جهت افزایش این بعد از هوش را نباید از نظر دور نمود. بر اساس یافته‌های به دست آمده از پژوهش جنسیت می‌تواند با هوش هیجانی ارتباط داشته باشد. نمرات مهارت‌های هوش هیجانی در دختران و پسران می‌تواند با هم تفاوت داشته باشد و جنسیت با مهارت‌های چهارگانه هوش هیجانی (خودآگاهی هیجانی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی، مدیریت روابط) نمی‌تواند بی‌ارتباط باشد.

گروهی از مطالعات در مورد هوش چندگانه با نگاه به تفاوت‌های جنسیتی در میزان ابعاد هوش و توانایی‌های درون‌فردی و بین‌فردی متشکل هوش هیجانی در زنان و مردان اشاره دارند. هوش درون‌فردی به توانایی خلق خود مرتبط است، احساسات، و حالات ذهنی و استفاده از این اطلاعات برای انطباق با محیط است (۱۱-۱۲، ۶). این یافته‌ها با نتایج مطالعاتی (۹ و ۱۱) همخوانی دارد به این معنی می‌توان به تفاوت میزان مهارت‌های هوش هیجانی در زنان و مردان اشاره کرد.

در مطالعات اخیر نشان داده شده، که هوش هیجانی نقش مؤثری در موفقیت زندگی دارد. از آن‌جا که مهارت‌های هوش هیجانی یاد گرفته می‌شوند به جای این‌که از پدر و مادر به ارث برده شوند، برای بالا بردن کودکان، به این نکته اشاره می‌شود که باید آنان را در شیوه‌های توسعه هوش هیجانی تشویق کنند. هم‌چون قدرت اجازه دادن به فرزند به طوری که احساسات خود را بیان نماید که در افزایش هوش هیجانی کمک کننده است. اما نقش جنسیت را می‌توان این چنین بیان کرد که به دلیل سبک‌های دلبستگی و روابط والد-کودک و هم‌چنین شیوه‌های فرزندپروری والدین و توقعات آنان از دو جنس دختر و پسر می‌تواند کیفیت هوش هیجانی را تحت تأثیر قرار دهد (۱۸، ۱۴). بر اساس مطالعات انجام شده در فلوریدا مردان به طور کلی نمره بهتر در جنبه‌های اعتماد به نفس، آگاهی از احساسات خود و همدلی را نشان می‌دهند.

References

1. Mayer J, Caruso D, Salvey P. Emotional intelligence meets traditional standards for intelligence. *Intelligence* 2000; 27: 267-98.
2. Goleman D. Emotional intelligence. New York: Bantam Book; 1995.
3. Bradbry Travis - Graves, Jane EI. Trans. Emotional Intelligence Test. Ganji M. Tehran: Savalan; 2002. P. 19, 23- 24, 26.
4. Ganji H. General Psychology Tehran: Savalan; 2007. P. 306.
5. Khodapanahi MK. Motivation and emotion. Tehran: Position; 2006.p. 304.
6. Gardner H. Frames of mind. A theory of multiple intelligences. New York: Basic Books; 1983.
7. Sadri I. Impact of social skills training, emotional Student. *Journal Psychological research*; 2008; 11(3 & 4): 81-9. P. 78.
8. Mayer J, Caruso D, Salvey P. Emotional intelligence tests. North Tonawand, NJ: Multi Health System; 2002.

9. Furnham A, Fong G, Martin N. Sex and cross-cultural differences in the estimated multi-faceted intelligence quotient score for self, parents and siblings. *Personality and Individual Differences* 1999; 26: 1025-34.
10. Bar-On R. Bar on Emotional Quotient Inventory: Technical manual. Toronto, Canada: Multi-Health Systems Inc; 1997.
11. Furnham A, Clark K, Bailey K. Sex differences in estimates of multiple intelligences. *European Journal of Personality* 1999; 13: 247-59
12. Furnham A, Gasson L. Sex differences in parental estimates of their children's intelligence. *Sex Roles* 1998; 38: 151-62.
13. Kafetsios K. Attachment and emotional intelligence abilities across the life course. *Personality and individual different*. 2004; 37: 129-45.
14. Zarrati, Iran, attachment style, emotional intelligence, cognitive science *New Journal of Cognitive Science*. New Year VIII, No. 1 (2006). 36-31.
15. Ganji H; Mirhashemi Malek, Sabet M. Bradberry-greaves emotional intelligence test: Preliminary norming-process. *Applied Psychology* 2005: 23-35.
16. Groves K S. Gender Differences in Social and Emotional Skills and Charismatic Leadership. *Journal of Leadership & Organizational Studies* 2005; 11(3).
17. Argyl M. *Psychology and behavior of the individual*. Harmondsworth, UK: Penguin; 1990.
18. Ghanbari Niczad. Emotional intelligence and attachment styles with homesickness, a new cognitive science, 2006; 8(1): 24-30.
19. Samari AA. Investigate the relationship between emotional intelligence and academic progress of the students of Azad University of Kashmar. *Journal of Educational and Psychological Studies*. Journal of Mental Health. Tehran: Sarang publications; 2007.

Gender and the four emotional intelligence skills

Shahram Mami¹, Zainab Mohammad Beige²

Original Article

Abstract

Background: Emotional intelligence as the ability to understand one and others, to communicate with people, to adapt and cope with environmental stress is defined. Skills such as self-awareness, self-management, emotional awareness, emotional intelligence, relationship management as a recognized are four skills

Methods: This descriptive cross-sectional correlation in the 92-91 school year, 248 students (137 boys and 111 girls) from a total of 740 boys and girls students of institutions of higher learning west of the center of Ilam were selected using Category run was. To examine the role of gender in the four skills of emotional intelligence, emotional intelligence questionnaire Bradbry - Graves 28 questions was used. Data analysis using spss software version 20 statistical test and Pearson correlation, multivariate analysis was performed.

Findings: The results showed that among the four skills of emotional intelligence (self-awareness, self-management, social awareness, and relationship management) there is a significant difference between the mean scores of boys and girls in the four skills of emotional intelligence, and more girls than boys.

Conclusion: Gender was associated with emotional intelligence and emotional intelligence skills the one hand emotional intelligence skills can vary in girls and boys.

Key Words: Emotional Intelligence, Gender, Self-awareness, Self-management, Social Awareness, Relationship Management

Citation: Mami Sh, Mohammad Beige Z. **Gender and the four emotional intelligence skills.** J Health Syst Res 2014; 10(4):678-684

Received date: 14.04.2013

Accept date: 24.08.2013

1. Assistant Professor, Department of Psychology, Science and Research, Ilam branch, Ilam, Iran (Corresponding Author): Email: Shmami.psycho@ilam.iau.ac.ir.
2. Master Student Clinical Psychology, Science and Research, Ilam branch, Ilam, Iran